

دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید،

جلسه ۱۱: دعوت به تقلید از پولس و همکارانش - فیلیپیان

۳:۱۵-۴:۳

نوشته تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». «این جلسه یازدهم، «دعوت به تقلید از پولس و همکارانش»، فیلیپیان ۳:۱۵-۴:۳ است.

به جلسه یازدهم در مطالعه ما در مورد فیلیپیان خوش آمدید. این جلسه «دعوت به تقلید از پولس و همکارانش» نام دارد و ما به بررسی فیلیپیان ۳:۱۵ تا فصل ۴:۳ خواهیم پرداخت.

قبل از خواندن متن، باید به خودمان یادآوری کنیم که قبل از این متن چه آمده است.

در فیلیپیان ۳: ۱-۱۴، پولس خود را به عنوان نمونه‌ای از طرز فکر مسیح‌گونه معرفی می‌کند و این کار را با ارائه یک مثال منفی از معلمان دروغین و اینکه قبل از تغییر دینش چگونه بوده است، و سپس یک مثال مثبت، با تمرکز بر پیگیری مصممانه‌اش برای مسیح، انجام می‌دهد.

و، قبل از اینکه متن فیلیپیان ۳: ۱۵-۴: ۳ را اینجا بخوانیم، می‌خواهم چند نکته را که باید در اینجا به آنها توجه کنیم برجسته کنم، زیرا تعدادی از شباهت‌ها در این آیات وجود دارد که می‌خواهیم با فیلیپیان ۲: ۵-۱۱ به آنها بپردازیم بنابراین پولس در فیلیپیان ۲: ۵-۱۱، آنها را به داشتن این طرز فکر در میان خود فرا می‌خواند، و سپس در آیه ۱۵ از فصل ۳، پولس در مورد اینکه بگذارید کسانی که بالغ هستند اینگونه فکر کنند صحبت می‌کند، و دیدن این موضوع در متن انگلیسی دشوار است، اما این همان کلمه یونانی است که در آنجا آمده است، داشتن این طرز فکر و تفکر.

در سرود مسیح باب ۸:۲، او درباره مسیح صحبت می‌کند که تا سر حد مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب، مطیع است و سپس، به طور طعنه‌آمیزی، در باب ۱۸:۳، درباره کسانی صحبت می‌کند که به عنوان دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند. سرود مسیح با این جمله به پایان می‌رسد که هر زانویی در آسمان و زمین در برابر جلال خدای پدر خم خواهد شد، و او این معلمان دروغین یا این مخالفان بت‌پرست را اینگونه توصیف می‌کند که خدای آنها شکم، جلال و شرم آنهاست و ذهن آنها معطوف به چیزهای زمینی است. در سرود مسیح، او درباره اینکه چگونه به نام عیسی، هر زانویی خم می‌شود صحبت می‌کند و از عیسی به عنوان خداوند صحبت می‌کند.

در فیلیپیان ۳:۲۰، پولس بیان می‌کند که شهروندی ما در آسمان است و از آنجا، ما منتظر یک نجات‌دهنده، خداوند عیسی مسیح، هستیم. سرود مسیح در فیلیپیان ۲ درباره مسیح به شکل خدا، شکل یک بنده، شباهت به انسان‌ها و فروتنی خود صحبت می‌کند، و این متن درباره مسیح صحبت خواهد کرد که فروتنان ما - این اصطلاح را می‌توان به فروتن نیز ترجمه کرد - یا بدن‌های فروتن ما را دگرگون می‌کند، به اصطلاح، تا مانند بدن باشکوه مسیح شوند. و سپس به موازات نام عیسی: هر زانویی باید خم شود. در فیلیپیان ۳:۲۱، پولس درباره قدرتی صحبت خواهد کرد که او را قادر می‌سازد - یعنی مسیح - حتی همه چیز را مطیع خود کند.

بنابراین اینها تنها چند مورد از شباهت‌های بین این دو متن هستند تا به ما در دیدن ارتباطات درون خود فیلیپیان کمک کنند. و اکنون به فیلیپیان، فصل ۳، آیه ۱۵ می‌رسیم و فصل ۴، آیه ۳ را خواهیم خواند و این به ما نشان می‌دهد که چگونه باید از پولس و همکارانش تقلید کنیم. پولس، تحت الهام روح، این را می‌نویسد: بگذارید کسانی از ما که بالغ هستیم، اینگونه فکر کنیم و اگر در هر چیزی غیر از این فکر می‌کنید، خدا آن را نیز بر شما آشکار خواهد کرد.

فقط بیایید به آنچه به دست آورده‌ایم، وفادار بمانیم. ای برادران، به من اقتدا کنید و به کسانی که از الگویی که در ما دارید پیروی می‌کنند، چشم بدوزید. زیرا بسیاری که بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز با اشک به شما می‌گویم، مانند دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند.

پایان آنها نابودی است، خدای آنها شکم آنهاست، و آنها در شرم خود افتخار می کنند، با افکاری معطوف به چیزهای زمینی. اما تابعیت ما در آسمان است و از آنجا منتظر نجات دهنده ای، خداوند عیسی مسیح، هستیم که بدن حقیر ما را به مانند بدن باشکوه خود تبدیل خواهد کرد، با قدرتی که او را قادر می سازد همه چیز را مطیع خود کند. بنابراین برادران من، که من آنها را دوست دارم و مشتاقشان هستم، شادی و تاج من، در خداوند، عزیزان من، اینگونه استوار باشید.

از افودیه التماس می کنم و از سینتیخی التماس می کنم که در خداوند با من هم نظر باشند. بله، از تو نیز ای همراه وفادار، درخواست می کنم که به این زنانی که دوشادوش من در انجیل به همراه کلمنت و سایر همکارانم که نامشان در دفتر حیات است، زحمت کشیده اند، کمک کنی.

بسیار خوب، پس بیایید در آیات آغازین با دعوت به تقلید شروع کنیم. تأکید بر این نکته مهم است که پولس بلوغ را، آن را اینگونه ترجمه می کند: «کسانی از ما که بالغ هستیم ESV مد نظر دارد، نه کمال را. بنابراین در آیه ۱۵، ترجمه اینگونه فکر کنیم.» و این ترجمه درست است.

این اصطلاح را می توان به عنوان کامل نیز ترجمه کرد. اما در واقع منظور از این عبارت در این متن، بلوغ، بلوغ معنوی است. و خدا از طریق پولس می گوید که هدف ما همین است، این بلوغ است.

بدیهی است که از یک جهت، هدف ما کمال است. و با این حال، باید بدانیم که در این جنبه از شکوه، کمال اتفاق نخواهد افتاد. همچنین توجه داشته باشید که این یک پروژه شرکتی، یک پروژه اجتماعی است.

این چیزی نیست که ما به صورت جداگانه دنبال کنیم. در واقع، عبارت آیه ۱۵، پولس خودش را هم شامل می شود درست است؟ او می گوید، آن دسته از ما که بالغ هستیم، اینگونه فکر می کنیم. و او مطمئن است که اگر زمینه هایی وجود داشته باشد که برخی از مؤمنان چنین طرز فکری ندارند، می گوید، خدا آن را برای شما آشکار خواهد کرد.

همچنین، به نیت نهفته در این امر نیز توجه کنید. پولس در آیه ۱۷ می گوید: «به کسانی که مطابق الگوی که در ما دارید، رفتار می کنند، چشم بدوزید.» بنابراین این چیزی است که نیاز به مشاهده دارد، نگاه کردن به اطراف و دیدن افرادی که در زندگی من از نظر معنوی بالغ هستند. و مشاهده عمدی نحوه تفکر، نحوه عمل و نحوه صحبت آنها، و سپس تقلید از آنها، نه به صورت سطحی و ساده، بلکه با تقلید از نحوه تعامل آنها با دیگران، نحوه رویکرد آنها به زندگی.

بنابراین این نیاز به مقداری قصد و نیت دارد. و بنابراین فکر کردم مفید خواهد بود که از این متن به این فکر کنیم که ویژگی های یک فرد بالغ از نظر معنوی چیست؟ و یک نقطه شروع این است که به آنچه او در بخش قبلی متن در مورد این جستجوی مصمم برای مسیح، تمرکز مصمم بر مسیح گفته است، نگاه کنیم. این نشانه بلوغ معنوی است: اینکه فردی که از نظر معنوی بالغ است، کسی نیست که دائماً توسط همه این چیزها در زندگی خود غرق و حواسش پرت شود.

و حتی با وجود مشغله های زندگی و اولویت ها و تعهدات، آنها در جستجوی مسیح ثابت قدم می مانند. دومین نشانه یک فرد بالغ معنوی این است که می داند هنوز به مقصد نرسیده است. یکی از عناصر دلسردکننده اولیه پیر شدن و همراهی طولانی تر با مسیح این است که شما بیشتر و بیشتر متوجه می شوید که چقدر رشد باید بکنید.

اینکه شما زندگی مسیحی را شروع می کنید و با خودتان فکر می کنید، اوه، بعد از ۱۰ سال راه رفتن با مسیح، من خیلی عقب هستم، ۲۰ سال یا ۳۰ سال یا ۴۰ سال. و بعد به آنجا می رسید و متوجه می شوید، خب، من خیلی عقب هستم اما هنوز راه درازی در پیش دارم. در واقع، یکی از بزرگترین خطرات در زندگی معنوی یک نفر این است که فکر کند به مقصد رسیده است.

حال، اذعان به رشد و بلوغ معنوی مفید است، اما کسی که فکر می کند زمینه های رشدی برای ادامه کاوش ندارد، در وضعیت معنوی بسیار خطرناکی قرار دارد. در نهایت، یک فرد بالغ از نظر معنوی، فلج گذشته نیست، بلکه مشتاقانه منتظر است تا بداند مسیح کیست و مسیح برای او چه کرده است. بنابراین فکر می کنم این سه ویژگی وجود دارد.

بدیهی است که نشانه‌های بیشتری از یک فرد بالغ روحانی نسبت به آنچه در این متن آمده است، وجود دارد. در واقع، فکر می‌کنم اگر پولس اینجا با ما نشست بود و با هم صحبت می‌کردیم، می‌گفت: هی، آنچه را که قبلاً در نامه گفتم فراموش نکنید. و من در فصل ۲، آیات ۱ تا ۴، این جستجوی مسیح را نه تنها به دنبال منافع خود، بلکه به دنبال منافع دیگران بودن، به دنبال کردن فروتنانه یک طرز فکر مشترک و یک زندگی مشترک، و اشاره به مسیح در آیات ۲: ۵ تا ۱۱ توصیف کردم.

او به همه این موارد به عنوان عناصر یک فرد بالغ از نظر معنوی اشاره می‌کند. او ما را به تیموتائوس و اپافرودیتوس ارجاع می‌دهد و می‌گوید، آنها را نیز فراموش نکنید. بنابراین اینها فقط خلاصه‌ای از متن اصلی هستند.

اگر می‌خواهید تصویر کامل‌تری از بلوغ معنوی داشته باشید، به عقب برگردید و دوباره بخوانید، از ابتدای متن نامه در فصل ۱ آیه ۲۷ شروع کنید، و دوباره بخوانید و شروع به مشاهده کنید. اینها نشانه‌های بلوغ معنوی هستند. و متأسفانه، متن در آیه ۱۸ کمی تغییر جهت می‌دهد، زیرا پس از اینکه او در مورد مراقبت از کسانی که رویکرد مشابهی به زندگی مسیحی و بلوغ معنوی دارند، مانند او و تیموتائوس و اپافرودیتوس، برای مشاهده و توجه دقیق به آنها صحبت می‌کند، در آیه ۱۸ تغییر مسیر می‌دهد و در مورد گروه دیگری از افراد صحبت می‌کند.

گروهی از مردم که او از آنها به عنوان دشمنان صلیب مسیح یاد می‌کند. حال، اینها تقریباً به طور غیرمنتظره‌ای ظاهر می‌شوند و ما بر اساس این دو آیه که پولس در مورد آنها صحبت می‌کند، در درک خود محدود هستیم. و بنابراین محققان این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا این افراد کافر هستند یا حتی شاید مؤمنانی که به نوعی از ایمان منحرف شده‌اند؟ اما صرف نظر از این، من فکر می‌کنم که آنها احتمالاً کافر هستند.

شاید افرادی که در برهه‌ای با کلیسا در ارتباط بودند، اما سپس از آن جدا شدند و درگیر باورها، نگرش‌ها و اعمالی شدند که با هم سازگار نیستند. آیه ۱۹ نوعی فهرست سریع را آغاز می‌کند. پولس می‌گوید ابتدا، پایان آنها نابودی است.

به عبارت دیگر، آنها در مسیر نابودی هستند، که به نظر من به کافر بودن آنها اشاره دارد. و اگر به یاد داشته باشید، پولس از همین اصطلاح در فصل ۱، آیه ۲۸ استفاده کرد، جایی که می‌گوید مؤمنان نباید از هیچ چیز از مخالفان خود بترسند. این نشانه روشنی از نابودی آنهاست.

بنابراین فکر می‌کنم او احتمالاً این ارتباط را در آنجا برقرار می‌کند. پولس در ادامه این دشمنان صلیب را اینگونه توصیف می‌کند که خدای آنها شکم آنهاست، که عبارت جالبی است. باز هم، محققان در مورد معنای دقیق آنچه پولس می‌گوید، بحث می‌کنند.

فکر می‌کنم چیزی که اینجا مد نظر است این است که، وقتی اصطلاحاتی که پولس اینجا به کار می‌برد و حتی ذهن یونانی را درک کنید، ریشه خواسته‌ها نه تنها در قلب، بلکه در روده و شکم نیز هست. و بنابراین می‌تواند به طور خاص اشاره‌ای به غذا و شکم‌پرستی باشد، اما فکر می‌کنم گسترده‌تر از این است. به عبارت دیگر، آنها توسط خواسته‌های پایه خود، توسط تمایلات روده‌ای خود هدایت می‌شوند، و آنها فقط به این سو و آن سو می‌روند زیرا توسط آن خواسته‌ها هدایت می‌شوند.

فکر می‌کنم احتمالاً منظور همین بوده. در واقع، برخی از محققان گفته‌اند که این یک اشاره ضمنی به یهودیان و قوانین غذایی است، اما به نظر می‌رسد که این کمی اغراق‌آمیز باشد. به نظر نمی‌رسد پولس از اینکه وقتی چنین چیزهایی مد نظر است، مستقیماً بگوید، خجالت بکشد.

بنابراین فکر می‌کنم این دیدگاه احتمالاً بعید است. در مرحله بعد، آنها به شرم خود افتخار می‌کنند. و این چیزی است که به نظر من ویژگی افرادی است که تسلیم خواسته‌های خود می‌شوند.

چیزهایی که باید از آنها شرمسار باشند، به آنها افتخار می‌کنند. آنها جشن می‌گیرند. آنها لذت می‌برند.

و مطمئنم که همه ما می‌توانیم نمونه‌هایی را در فرهنگ معاصر خود به یاد بیاوریم که در آنها کتاب مقدس می‌گوید چیزهای خاصی شرم‌آور هستند، و افرادی هستند که در واقع آن واقعیت‌ها را جشن می‌گیرند. این اوج روشنفکری است. و بنابراین فکر می‌کنم آنچه پولس در اینجا می‌گوید، از یک نظر، شبیه رومیان ۱ است، که وقتی مردم تسلیم

خواسته‌های خود می‌شوند و آنها را خدایان خود قرار می‌دهند، چنان وارونه می‌شود که به چیزهایی افتخار می‌کنند که از دیدگاه کتاب مقدس باید شرم‌آور باشند.

و سپس به نظر می‌رسد که او این را در این عبارت پایانی، در آیه ۱۹، خلاصه می‌کند، وقتی می‌گوید، آنها ذهنشان معطوف به چیزهای زمینی است. البته، به خاطر داشته باشید که ما قبلاً این زبان را دیده‌ایم، درست است؟ این زبان در یونانی است - و این ایده داشتن یک طرز فکر، داشتن یک رویکرد. و بنابراین دیدگاه *phreno* طرز فکر - که فعل آنها، به جای داشتن ذهن مسیح، طرز فکر مسیح، که در فیلیپیان ۲، آیه ۵ در مورد آن صحبت شده است، این افراد طرز فکرشان معطوف به چیزهای زمینی است، چیزهایی که بخشی از این جهان سقوط کرده هستند و توسط آنها مصرف می‌شوند.

و بنابراین این یک تضاد آشکار است. همه اینها متضاد چیزهایی هستند که باید در مورد ما به عنوان مؤمن صادق باشند. اما توجه کنید، هر چقدر هم که این زبان تند به نظر برسد، پولس بسیار رک و صریح است.

از این نکته غافل نشوید که او در آیه ۱۸ می‌گوید، برای بسیاری از آنها که بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز با اشک می‌گویم، این پولس نیست که به نوعی عصبانی باشد، می‌دانید، فقط نوعی محکوم کردن. این با چشمانی اشکبار است، از شرارت و گناه و تأثیری که این دارد، غمگین است.

و او به فیلیپیان می‌گوید، اینها افراد متضادی هستند که باید روی آنها تمرکز کنید. و بنابراین در مقابل این افراد که خدایشان شکمشان است و ذهنشان را به چیزهای زمینی معطوف می‌کنند، تضاد اکنون در آیه ۲۰ ظاهر می‌شود، زمانی که پولس می‌گوید، اما شهروندی ما در آسمان است و از آنجا منتظر یک نجات‌دهنده، خداوند عیسی مسیح، هستیم و بنابراین در مقابل داشتن این طرز فکر در مورد چیزهای زمینی، او می‌گوید، ای مؤمنان فیلیپی، شما باید طرز فکر خود را در مورد آسمان، واقعیت‌های آسمانی، در مورد هویت خود به عنوان شهروندان پادشاهی خدا داشته باشید.

ما این زبان شهروندی را قبلاً، در فصل ۱، آیه ۲۷ دیدیم. و در آنجا در مورد اینکه چگونه شهروندی امتیازات و مسئولیت‌های ما را تعیین می‌کند صحبت کردیم، اینکه شهروند یک پادشاهی یا یک دولت سیاسی بودن امتیازاتی به همراه دارد، اما مسئولیت‌هایی نیز به همراه دارد. و این شکل اسمی فعلی است که در فصل ۱، آیه ۲۷ آمده است. آنچه پولس گفت، به عنوان شهروندان شایسته انجیل زندگی کنید.

اینجاست، شهروندی ما در آسمان است. بنابراین این تأیید می‌کند که ما فصل ۱، آیه ۲۷ را به درستی می‌خوانیم. و این در تضاد است؛ این شهروندی آسمانی در تضاد با دشمنان صلیب مسیح است که ذهن خود را بر چیزهای زمینی متمرکز کرده‌اند.

و چون شهروندی ما در آسمان است، آنجا جایی است که ما امید خود را به آمدن پروردگار و نجات‌دهنده‌مان برای خود قرار می‌دهیم. حالا می‌خواهم قبل از اینکه کمی جلوتر برویم، به نکته‌ای اشاره کنم. و آن این است که، شاید این عبارت را شنیده باشید، آن شخص آنقدر ذهن آسمانی دارد که هیچ فایده زمینی ندارد.

حالا می‌فهمم که مردم احتمالاً با این حرف چه می‌خواهند بگویند. چیزی که احتمالاً می‌خواهند بگویند این است که می‌دانید، ذهن آنها آنقدر در ابرهاست و آنقدر روی واقعیت‌های بهشت متمرکز هستند که هیچ کار خوبی اینجا روی زمین انجام نمی‌دهند، که به طور فعال به دیگران عشق نمی‌ورزند، به آنها اهمیت نمی‌دهند یا به آنها کمک نمی‌کنند. فقط می‌خواهم بگویم، کسی که واقعاً ذهن آسمانی دارد، از نظر زمینی بسیار خوب خواهد بود، زیرا راهی که ما به طور ملموس عشق خود را به خدا نشان می‌دهیم، عشق به دیگران است.

و بنابراین من می‌فهمم که این عبارت چه چیزی را می‌خواهد منتقل کند، اما در نهایت فکر می‌کنم که گمراه‌کننده است. حال، پولس فقط نمی‌گوید که ما منتظر منجی خود هستیم و ما را همان‌جا رها می‌کند. او به ما می‌گوید که خداوند عیسی مسیح وقتی برگردد چه خواهد کرد.

او در آیه ۲۱ می‌گوید، چه کسی بدن حقیر ما را دگرگون خواهد کرد؟ عمداً، می‌توان آن را به عنوان بدن فروتنی یا فروتنی ما درک کرد، تا مانند بدن باشکوه او باشد، با قدرتی که او را قادر می‌سازد همه چیز را مطیع خود کند. بنابراین، رستاخیز و قدرت مطیع‌سازی مسیح. پس به تضاد توجه کنید.

ما این بدن‌ها را داریم که با پستی، سقوط، پوسیدگی، بیماری و پیری و محصولات سقوط و لعنت مشخص شده‌اند. و پولس می‌گوید، مسیح قرار است بدن‌های ما را دگرگون کند تا مانند بدن باشکوه او شوند. و بگذارید فقط به شما بگویم، هر چه پیرتر می‌شوید و پیرتر می‌شوید، این وعده باشکوه‌تر به نظر می‌رسد.

زیرا روزی فرا خواهد رسید که بدن‌های ما دیگر تحت تأثیر بیماری، ضعف و هیچ یک از اثرات سقوط قرار نخواهند گرفت. می‌توانید تصور کنید که چه احساسی خواهید داشت اگر صبح از خواب بیدار شوید و درد و رنجی نداشته باشید؟ فوق‌العاده خواهد بود. می‌توانید تصور کنید چه احساسی خواهید داشت اگر بدن‌هایی داشته باشید که کاملاً مطابق آنچه خدا برایشان در نظر گرفته عمل کنند؟ این قابل توجه است، به خصوص برای کسانی که از انواع خاصی از معلولیت‌ها رنج می‌برند که زندگی آنها را در این زمین سقوط کرده بسیار محدود می‌کند.

تصور اینکه استفاده کامل از بدن‌هایشان، همانطور که خدا در ابتدا در نظر داشت، چگونه خواهد بود. این همان چیزی است که پولس در اینجا در مورد آن صحبت می‌کند: اینکه وقتی مسیح بازگردد، بدن‌های ما را دگرگون خواهد کرد تا مانند بدن رستاخیز یافته باشکوه او باشند. اما مبادا فکر کنیم، اوه، این خوب است.

این فقط در مورد دگرگونی فردی است. نه، خیلی بزرگتر از این است. بنابراین واقعیت این است که مسیح قرار است همه چیز را مطیع خود کند.

خلقت در نظم و جای درست خود قرار خواهد گرفت. همه چیز همانطور که قرار بود باشد، خواهد بود. در اصل، این یک وضعیت صلح و آرامش خواهد بود.

عهد عتیق دوست دارد از این اصطلاح برای توصیف این واقعیت استفاده کند که همه چیز به درستی مرتب شده و در جای مناسب خود قرار دارد و همانطور که خدا آن را طراحی کرده است، عمل می‌کند. و این نکته قابل توجهی است که باید در مورد آن تأمل کرد: اینکه خداوند عیسی مسیح همه چیز را مطیع خود خواهد کرد. ما این واقعیت را در جاهایی مانند مزمور ۸ و مزمور ۱۱۰، دانیال ۷ پیشگویی کرده‌ایم و در واقع این نتیجه‌ی کاری است که خدا آدم را به انجام آن مأمور کرده بود.

وقتی خدا آدم و حوا را آفرید، گفت: بارور شوید، تکثیر شوید، زمین را پر کنید، بر آن حکومت کنید و آن را مطیع خود سازید. آنها قرار بود به عنوان نایب‌السلطنه، به عنوان پادشاهان فرعی، به عنوان پادشاهی تحت پادشاهی نهایی خدا عمل کنند. و البته، آدم در این امر شکست خورد.

و آنچه این متن می‌گوید این است که مسیح قانونی را که قرار بود آدم اجرا کند، اما هرگز اجرا نکرد، اجرا خواهد کرد. و ما در بدن‌های رستاخیز یافته با او خواهیم بود. حال، اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری در این مورد ببینید، متنی مانند رومیان ۸ این موضوع را کمی بیشتر توضیح می‌دهد.

و البته، مکاشفه ۲۱ و ۲۲ نیز به این واقعیت خواهد پرداخت. پولس این بخش کوتاه را با فراخواندن فیلیپیان به ایستادگی به پایان می‌رساند. و ابتدا به آنچه که او دوباره در مورد آنها می‌گوید توجه کنید؛ او قرار است تأیید کند که آنها برادران او هستند، که آنها شادی و تاج او هستند، که او آنها را دوست دارد و مشتاق آنهاست.

و بر اساس آن، او می‌گوید، ای عزیزان من، در خداوند استوار باشید. قبلاً هم این عبارت استوار را دیده‌ایم، درست است؟ ما آن را در فصل اول، آیه ۲۷ دیدیم، جایی که پولس گفته بود می‌خواهد بشنود که آنها در یک روح استوار هستند. و بنابراین این نامه با دعوت به استواری آغاز می‌شود و در اینجا با دعوت به استواری به پایان می‌رسد.

و بعد این بخش کوچک و جذاب اینجا در آیات دو و سه وجود دارد. تقریباً از ناکجاآباد پیداست. در واقع، همینطور که دارید می‌خوانید و به فصل چهار، آیه اول می‌رسید، با خودتان می‌گویید، اوه، باشه، پولس دارد تمام می‌کند.

و بعد به آیه دوم می‌رسید، و مثل این است که آب سردی به صورتتان پاشیده شده باشد. و می‌خواهم تصور کنید که وقتی اپافرودیتوس برگشت، اوضاع چگونه بوده است. و احتمالاً او کسی بوده که نامه را برای کلیسا خوانده است.

و بنابراین خبر می‌رسید که، هی، اپافرودیتوس برگشته است. و آنها کلیسا را دور هم جمع می‌کردند، و او نامه‌ای از پولس دارد. و بنابراین اپافرودیتوس بلند می‌شود، و آن را باز می‌کند، و نامه را می‌خواند، و همه نامه را دوست دارند.

انگار، اوه، این خیلی خوبه. ما عاشقش هستیم. و این دعوتی برای ایستادگی و مقاومت است، بنابراین در خداوند

و سپس آیه دوم از فصل چهارم را می‌خواند. از افودیه التماس یا درخواست می‌کنم، و از سینتیخی التماس می‌کنم که در خداوند موافقت کند. خب، اگر چنین بود، سکوت حکمفرما می‌شد.

همانطور که می‌توانید تصور کنید جماعت چطور پیش می‌رفتند، آیا او فقط دو نفر را به اسم صدا زد. و گفت، در خداوند متفق باشید. فکر می‌کنم ایده آنجا هم همین است.

حالا، ما نمی‌دانیم ماهیت اختلاف آنها چه بوده است. پولس مشخص نمی‌کند. و واقعاً نیازی هم نیست زیرا همه در کلیسا احتمالاً می‌دانستند که آن اختلاف چیست.

در واقع، به احتمال زیاد، به همین دلیل است که پولس آنها را فرا می‌خواند، زیرا این درگیری بین افودیه و سینتیخی تقریباً مطمئناً اثرات گسترده‌ای داشت. شاید مردم شروع به صف‌آرایی و جانبداری از یک طرف می‌کردند. خب، من فکر می‌کنم افودیه در این مورد حق دارد.

نه، نه، نه، نه. من اینجا در سینتیچی هستم. و بنابراین شما شروع به دیدن تشکیل جناح‌ها یا اختلاف می‌کنید.

و پولس وارد عمل می‌شود و می‌گوید، شما باید این اختلاف را حل کنید. و او آنها را در مقابل کل جماعت فرا می‌خواند. و سپس دیگران را فرا می‌خواند و می‌گوید، مشارکت کنید، به آنها در حل آن کمک کنید.

اولاً، او در آیه سوم به این اشاره می‌کند، می‌گوید، «من از تو نیز می‌پرسم، ای همراه حقیقی.» و در مورد اینکه پولس درباره چه کسی صحبت می‌کند، گمانه‌زنی‌های بی‌پایانی وجود دارد. انواع و اقسام پیشنهادها. برخی گفته‌اند که این در *syzygous*، واقع یک نام است، که کلمه یونانی باید به عنوان یک اسم خاص

بعد می‌گوید، از شما زنان همسنگر هم می‌خواهم که به این زنان کمک کنید، که این فقط یک اشاره کلی به یک دوست عزیز نیست. نه، شخصی با این نام وجود داشته که نامش به معنای همراه واقعی بوده است. این ممکن است

صرف نظر از این، پولس مطمئن بود که وقتی من آنها را صدا می‌زنم، آن شخص می‌داند که کیست. به این زنان کمک کنید. و بعد توجه کنید که او افودیه و سینتیخی را صدا زده است.

اما بعد می‌گوید، ببینید، این زنان دوشادوش من در راه انجیل زحمت کشیده‌اند. و فکر می‌کنم بخشی از چیزی که تقریباً قلب پولس را می‌شکند این است که اینها همکاران من در راه انجیل هستند. او دوشادوش آنها برای پیشبرد انجیل تلاش کرده است.

و حالا او این اختلاف بین آنها را می‌بیند. و می‌خواهد این همراه واقعی مداخله کند. او می‌گوید که آنها در کنار من، به همراه کلمنت و بقیه همکارانم، در راه انجیل زحمت کشیده‌اند.

و سپس او این جمله آخر را اضافه می‌کند، که اگر مراقب نباشیم، ممکن است از آن به سرعت عبور کنیم. او می‌گوید کسانی که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است. و بنابراین او این بخش را با یادآوری به آنها به پایان می‌رساند، شما به عنوان همکاران در انجیل، هویت مشترکی دارید.

و مهم‌تر از آن، به عنوان کسانی که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است. حال این را باید در پس زمینه عهد عتیق درک کرد. احتمالاً اولین ظهور این مفهوم زمانی آشکار می‌شود که موسی در پیشگاه یهوه شفاعت می‌کند و می‌گوید، لطفاً قوم خود را نابود نکن.

در عوض، نام مرا از دفترتان پاک کنید. و بنابراین این ایده وجود دارد که خدا این کتاب را دارد، و می‌بینید که این کتاب قدیمی مکاشفه خدا سابقه‌ای از اینکه چه کسی بخشی از این قوم است را دارد. و پولس تأیید می‌کند که اینها مؤمنان عزیز هستند.

بله، ما مشترک هستیم. ما به عنوان عضوی از خانواده خدا هویت مشترکی داریم. و بنابراین بر این اساس، لطفاً این اختلاف را در یک پایان کوتاه حل کنید.

بنابراین، همانطور که یک قدم به عقب برمی‌داریم و به تصویر بزرگتر نگاه می‌کنیم، فکر می‌کنم می‌توانیم ایده کلی این متن را اینگونه خلاصه کنیم: با دقت انتخاب کنید که از چه کسی تقلید می‌کنید. با دقت انتخاب کنید که از چه کسی تقلید می‌کنید.

و در مورد تعلیم از طریق این متن، فکر می‌کنم می‌توانید آن را به این شکل تجزیه کنید. شما در آیات ۱۵ تا ۱۷ دستور اولیه را دارید: در تقلید از افراد درست با هم متحد شوید.

در تقلید از افراد درست، با هم متحد شوید. و سپس پولس در آیات ۱۸، ۳۱۸ تا ۴۱ دو دلیل ارائه می‌دهد. دشمنان صلیب وجود دارند، و ما شهروندان بهشت هستیم.

اینها دلایلی هستند که ما باید در تقلید از افراد مناسب به هم پیوندیم. دشمنان صلیب وجود دارند و ما به عنوان شهروندان بهشت باید روی افراد مناسب تمرکز کنیم. و سپس او با یک کاربرد نتیجه گیری می‌کند.

به دنبال آشتی باشید. هم دعوت به آشتی وجود دارد و هم دعوت به مداخله دیگران. فکر می‌کنم گاهی اوقات ما می‌توانیم برای دخالت در تلاش برای آشتی در هنگام درگیری، بیش از حد مردد باشیم.

بعضی از مردم آنقدر از درگیری بیزارند که می‌خواهند به هر قیمتی از آن اجتناب کنند. و صادقانه بگویم، بعضی از مردم کمی بیش از حد به درگیری جذب می‌شوند. اما صرف نظر از این، وقتی در بدن مسیح درگیری وجود دارد، اغلب لازم است دیگران مداخله کنند تا سعی در آشتی و ترمیم داشته باشند.

بیایید با صحبت در مورد کاربرد، بحث را به پایان برسانیم. اول، خدا می‌خواهد ما چه فکری کنیم؟ او می‌خواهد ما فکر کنیم که خدا الگوهایی از زندگی مسیح گونه ارائه داده است. البته، ما در اینجا در مورد نوعی مسیحیت مشهور صحبت نمی‌کنیم که در آن ما به آن معنای سطحی «اوه، من طرفدار این واعظ یا آن واعظ هستم» تبدیل به طرفدار شویم.

این چیزی نیست که او در موردش صحبت می‌کند. او در مورد پیدا کردن افرادی صحبت می‌کند که زندگی‌شان با شباهت به مسیح مشخص و مشخص شده است و مشاهده دقیق آنها و سپس تقلید از آنها. دوم، خدا می‌خواهد ما به چه چیزی ایمان داشته باشیم؟ او می‌خواهد ما باور کنیم که گذشته ما هویت ما را تعیین نمی‌کند.

آن را شکل می‌دهد، اما هویت ما را تعیین نمی‌کند. سوم، خدا می‌خواهد که ما بازگشت مسیح را آرزو کنیم، مشتاق آن باشیم، آن را پیش‌بینی کنیم، و شاید حتی در مورد آن خیال‌پردازی کنیم. همه ما در نهایت در مورد چیزها خیال‌پردازی می‌کنیم.

ذهن ما سرگردان است و ما خودمان را در حال خیال‌پردازی در مورد چیزهای خاصی می‌بینیم. آیا تا به حال در حال خیال‌پردازی در مورد چگونگی بازگشت مسیح و تبدیل بدن‌های ما و ساکن شدن ما با او در خلقتی جدید بوده‌اید؟ در نهایت، خدا از ما چه می‌خواهد؟ به نظر من یکی از کارها این است که در کمک به دیگران برای آشتی، فعال باشیم. اختلاف می‌تواند دردسرساز باشد، اما خدا ما را به عنوان مؤمن فراخوانده است تا در صورت وجود اختلاف، به یکدیگر کمک کنیم تا آشتی کنند.

خب، بانی، این ما را به پایان نامه می‌رساند. در جلسه بعدی، نتیجه‌گیری نامه را شروع خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه پولس ما را فرا می‌خواند تا برخی از چیزهایی را که در سراسر نامه درباره آنها صحبت کرده است، به کار گیریم.

این دکتر متیو اس. هارمون در مجموعه مقالاتش درباره فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید» است. این جلسه یازدهم، «دعوت به تقلید از پولس و همکارانش»، فیلیپیان ۱۵: ۳-۴ است.